



دوشنبه هجدهم ما دبیع الثاني ۲۹۵
 قبه بکلفر بکعباسی
 قیمت اعلان سطر ده شامو
 اداه قیمت در چهار قسط

بیت و دوم او در پل ماه فرانسه ۱۷۷۱
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدو را الطباعه نماید
 بفرستد در این روزنامه باسم خود او نوشته
 خواهد شد

روزنامه علم

بقیة تاریخ حضرت رسول صلی الله علیه و آله

مسعودی گوید کنیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله ابوالقاسم بود
 و شاعر در بنیاب گفته است (سریع) لله مما قد بر اصفوة (وصفوه)
 الخاق بنو هاشم (وصفوه الصفوة من هاشم) (محمد النور ابوالقاسم)
 یعنی بزرگواری خدا بر است که خلق کرده است صفوت را و صفوت خلوق
 سلسله بنی هاشم میباشد و خلاصه و نقایه از بن صفوت هاشم حضرت
 محمدی صلی الله علیه و آله است که نور و ابوالقاسم است و او نامیده شد
 محمد واحد و ماضی زیرا که او است که کناهان را خدا بسبب شفاعت او
 محو و صیغ مبرفرا بد و او است نقاب و حاضر زیرا که محشور و مینامد حضرت
 ایزدی روز حشر بنید کا نراد عقب او و تولد حضرت رسول صلی الله علیه
 در سال عام الفیل شده و مینامد عام الفیل و عام الفجار بیست سال میباشد
 و فجار عربیست که مینامد قیس عبلان و بنی کنانه اتفاق افتاد و این چند
 موسوم بفجار شد بجهت آنکه امتداد و با جبهه بافت قتال در ماههای حر
 و کثانته ابن خزیمه بن مدر که همان عمرو بن الباس و مضر بن نزار است و
 اولاد الباس عمرو و غامر و عیبر بودند و عمرو معروف بود که بود و عا
 بطانجه و عیبر بقمعه و ماد و آنها لیلی دختر حلوان بن عمران بن الحاف بن
 قضاعه بود که او را خندف مینامیدند و این سه نفر با القاب سطور
 علم شد بالغلبه و منسوب شدند بمادر خودشان خندف و در بنیاب

قصی بن کلاب بن مره گفته است (آنکه لدی الحرب و حی بی) (عند
 تناد بهم بال و هب) (معتزم القوله قال نبی) (اتحی خندف و
 الباس ای) (یعنی من دو هنگام جنگ قسم پروردگار حتی من همینکه
 میخوانند آل و هب را بمر که من هستم دارای صولت زبانی و نسب
 من عالینت مادرم خندف و پدرم الباس است)

قریش منقسم بر بیست پنج طایفه میشوند و اسامی آن طوائف از بن
 (بنو هاشم بن عبدمناف) (بنو المطلب ابن عبدمناف) (بنو الحارث
 ابن عبدالمطلب) (بنو امیه ابن عبدشمس) (بنو نوفل ابن عبدمناف)
 (بنو الحارث بن فهر) (بنو اسد بن عبد الغزی) (بنو عبد الدار بن قصی)
 که در بانان کعبه هستند) (بنو زهره ابن کلاب) (بنو تمیم بن مره)
 (بنو مخزوم) (بنو بقطر) (بنو قمره) (بنو عدی بن کعب) (بنو تمیم)
 (بنو جمح) و با اینچنانتهی میشود قریش بطاح (بنو مالک ابن حنبل)
 (بنو معص بن عامر بن لوی) (بنو نزار بن عامر) (بنو اساتة بن لوی)
 (بنو الادرم و ان تم بن غالب است) (بنو محارب بن فهر) (بنو حشر
 ابن عبد الله بن کثانه) (بنو عاتذ و هو خزیمه بن لوی) (بنو بنی
 و ان سعد بن لوی است) و از بنی مالک الی اخر القبایل که بنو سعد
 باشد قریش طواهر مینامیدند (قریش بطاح آنهاست هستند که فرود
 میآیند میان اخبثان که دو کوه از مکه است و قریش طواهر آنهاست)

بقیة تاریخ حضرت بن حسن اصفهانی مؤسس بیکامر الامر

حضرت بن حسن گوید در یکی از کتب تواریخ خوانده ام که خرابی بیت المقدس ابتدا و در اول مرتبه بدست بخت نصر این دهام بوده و بعضی
 گفته اند بخت نصر این و پیر این کورد در بحکم طراسپ پادشاه بیت المقدس را خراب کرد بعد از آنکه مملکت ایشانرا بچینا گرفت و شهرشانرا خراب کرد
 و بابل را غارت نمود و کسب کرد و باره بیت المقدس را آبادی داد بعد از هفتاد سال پادشاهی بود که بعیران او را کورش مینامیدند و بر
 یهود کورش همان بمن ابن اسفندیار و این موافق با تاریخ عجم نیست خلاف بین تاریخین زیاد از دو بیت سال مینامد چنانکه از معانی
 بنی اسرائیل از بابل بفرستند و انا سلطنت اسکندر صد و پنجاه و چهار سال نوشته اند و مینامد عمارت بیت المقدس و خراب کردن ططوس سلطان
 روم از این چهار صد و شصت سال نگاشته و حال آنکه از سنوات اسکندر چهار صد و شصت سال گذشته و در کتاب بکر خوانده ام که مینامد
 بنای بیت المقدس بدست حضرت سلیمان علیه السلام و مینامد سلطنت اسکندر هفتصد و هفده سال بوده پس از آن مینامد خرابی بیت المقدس
 بدست عجم و مینامد هلاک اسکندر را در دو بیت و شصت و نه سال نوشته بعد از آن ظهور حضرت مسیح علیه السلام داشتند و پنج سال

میشوند که بیرون این دو کوه فرود میآیند بقیه دومه است
 بقیه اخبار فیضا نصرت طبیب مخصوص مکره
 صیار کما ذرا الفنون
 از مجاورت و تماس الیاف بیض و رمادی دماغ بیکدیگر قوه حاصل شود
 که از ادرفزیک الکتربسته گویند یعنی قوه تلکراخبره و از تجربه و ترکیب
 مایعات بدنه اثری بروز کند که در شبی شالز گویند یعنی حرارت
 این دو شئی لطیف بواسطه اجزای دو عمل مذکور متصل در بروز و ظهور
 میشوند بدن همبسته اشباع از این دو شد متحرک گردد آن حرکت و با
 بدو شود بحرارت و انحراف تحویل گردد بقوه منقناطیسته و ان تبدل
 گردد بالکتر بیسته و ان بحرارت و ان بحرکت و هکذا مادامی که بدو مایع
 بیدن برسد این آثار و تبدلات مجری خواهند بود و قسکه بدو مایع
 مفسود گردد آثار مزبور نیز معدوم خواهد شد هم چنانکه عامل
 کلی عالم طبیعت حرارت است و نور و الکتر بیسته و مقناطیس همچنین
 عوامل بدنه نیز منحصر در همین چهار اند اگر چه عوامل مسطوره بحسب
 مبدا و اصلت یکی هستند ولی بحسب موضع و محل صور و اسامی
 مختلفه گردند چنانکه بر وزانها را در اعصاب الکتر بیسته و در مجاری
 او عبه مقناطیس و در تمام بدن مطلقا حرارت و حرکت گویند ازین
 تبدلات در بدن دو چیز بروز کند یکی حس یکی حرکت حس در کمال
 و منافرات و حرکت جلب دفع آنها در حقیقت حس هم بگونه حرکتی است
 که از اشیا مجاوره مانند هوا و اطر و غیرها بدماغ وارد میآید
 حرکاتی که از مجاورت و الصاق هوا بوساطت عصب تا معبد دماغ منتقل
 میگردد صوت گویند و حرکاتی که در توج اطر به دماغ عصب باصره

بدماغ منتشر میشوند و شکل منقطع و فشار یکدیگر از برخورد اشیا
 خارج بجلد و از ان بدماغ میرسد بعضی با حرارت و برودت و برخی را
 خفت و ثقل و جمعی زاملاست و خشونت گویند و هکذا پس از آنکه حرکات
 مزبوره بدماغ منتهی شدند دماغ نیز مجددا آنها را منتقل با اعصاب
 حرکت و عضلات نماید و بخارج منتشر سازد بیابد و انستکه همچنانکه
 انتقال نور و الکتر بیسته را از موضعی موضع دیگر زمان لازم است و آن
 در نور مساویست هر تائینه بمقتاد و نه هزار فرسنگ و در الکتر بیسته
 از آن همچنین انتقال حس را از قشری عصب حس بحجم دماغ مدت لازم است
 و ان در عصب مس مساویست بیک هشتادم تائینه و در عصب سامع
 بیک سی و دویم تائینه و در عصب باصره هم تقریبا همانقدر
 بجهت اثبات این مطلب هر گاه محیط عمده چرخ را سی و دو دندان قرار دهند
 و از آن بر روی سطحی صحت بغلطانند اگر مقدار حرکت یکدوران مساوی
 شد مدت بکثائنه دماغ در ک اصوات دندانها را از یکدیگر تواند کرد
 و اگر کمتر از یکثائنه شد بکصوت واحد استماع خواهد نمود بجهت آنکه اثر صوت
 با بد از خارج بدماغ برسد و چون از منتهای عصب سامع تا دماغ اندک
 مسافتی است اثر صوت کمتر از یک سی و دویم تائینه این مسافت را نتواند
 پیچود و چون فاصله ما بین اصوات متعدد کمتر از یک سی و دویم تائینه
 باشد قبل از آنکه دماغ در ک اثر صوت را کند اثر دیگر از عصب سامع
 باورسد ازین جهت آن اصوات مانند صوت متصل و واحد استماع شود
 و هر گاه انگشت را ماس دندانهای همان چرخ نمایند در صورتیکه زمان
 حرکت چرخ در بکثائنه زیاد از هشتاد دندان ماس دست نشود دماغ
 احساس آنها را تواند نمود چنانکه میتوان گفت کجسیر اثر اولی از اشیا

بقیه ترجمه تاریخ حضرت بحسن

بعد از سلطنت اسکندر و پناه و یکسال از سلطنت اشکانیان گذشته نکاشته و میلاد حضرت مسیح ۴۰۰ در سال چهل و دویم سلطنت اغطر
 سلطان روم بوده و تخریب بیت المقدس بدست ططوس ابن اسفیانوس سلطان روم بعد از قتل و مقاتله و تخریب دآن نواحی حتی شهر روم
 اتفاق افتاده و طوری بیت المقدس ویران شد که هیچ سنگی بر روی سنگی دیگر قرار نداشت بعد از رفع حضرت مسیح ۴۰۰ پچهل سال و از
 خراب کردن ططوس بیت المقدس را تا آخر سلطنت قسطنطین دو بیت هفتاد و دو سال و از آخر سلطنت قسطنطین تا هجرت دو بیت هشتاد
 و پنج سال و کسری بوده و در کتاب منسوب بفضائل اباطاء العبرانی خوانده ام که میانه مولد حضرت موسی علیه السلام و میانه بیرون آوردن آنحضرت
 بنی اسرائیل را از خاک مصر بیر فلسطین یعنی تیره بمقیده مؤلف جز بود هشتاد سال میباشند و از استقرار تیره تا بیرون آوردن هوشع بن نون
 بنی اسرائیل را از آنخل چهل سال است پس میانه مولد حضرت موسی ۴۰۰ و وفات او با این حساب صد و بیست سال است چون هوشع علیه السلام بنی
 اسرائیل را از تیره بیرون آورد و تابوت میثاق با او بود آنها را کوچانیده تا از نهر اردن عبور داد و از برای او و اصحاب او واقعه اتفاق افتاد
 و احتیاط نمیدیدند و روز دوازدهم از نهار بیرون برداختند روز هفتم دیوار شهر افتاد و حمله بدان بردند و شهر را آتش زدند و هر چه در آن بود

تا دماغ يك هشتم تا نهم است یعنی در يك هشتم تا نهم بگذرد عراسر
 نماید زیرا که اعصابی که از انکت بدماغ میرسد طولشان قریب بگذرد
 قدمای از حکما و عقیده آن بود که دایره مرئی شدن نقطه جواله و خط
 بنظر آمدن قطره نازله بواسطه خطای حس است چه خبر از آنکه امضار و
 اسماع و لمس و امتد لازم است اگر نقطه جواله دایره مرئی را در مدتی
 پیماید که بیشتر از نصف ثانیه باشد دماغ در تمام مدار مرئی در يك نقطه
 کند نه دایره زیرا که زمان رسیدن شیخ مرئی از منتهی عصب با صر بدماغ
 زیاد تر است از زمان حرکت نقطه جواله از چیزی بچیز دیگر و اگر در مدتی
 سیر کند که کمتر از نصف ثانیه باشد دماغ از دایره بپند نه نقطه بجهت
 آنکه مدت امضال اشعه منطبقه از انتهای عصب با صر بدماغ کمتر است
 از مدت انتقال نقطه مذکوره از مکان اول بمکان ثانیه
 اگر قطره نازله مسافتی که پیماید بجهان نسبت باشد واضح است دماغ را
 مجال در يك آن هست و در هر جا قطره بپند و الا خطی مستقیم در يك
 خواهد نمود بقدر دایره آینه

بقیه صحبت سالی طبیعی و هیئت

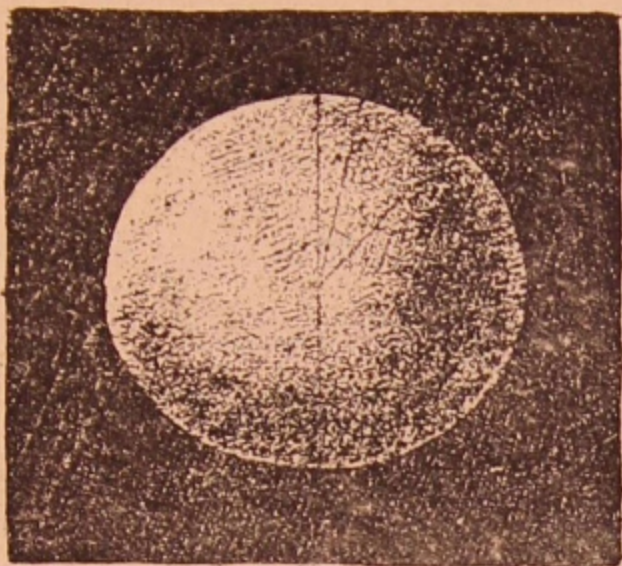
ترجمه میرزا کاظم معلم علم طبیعی و شیمی

فصل پانزدهم در قوت ثقل

محمود اقا جان ابا شما فرمودید که بکنفر آدم میتواند بگذرد زمین را
 طی کند مثل يك مورچه که در دو درنا ریخی کردش مینماید
 کاظم بلی محمود جان این حرف من است
 محمود چنین چیزی بنظر من محال مینماید
 کاظم چرا
 محمود بجهت اینکه ما که الان در روی زمین هستیم پاهایمان پائین

و سرمان بالاست پس اگر مسافری آنطرف زمین باشد باید سرش پائین
 و پایش بالا باشد و بنظر میآید که مانند مکی که از سقف طاق او پرت
 میشود آن مسافر هم همین حالت را باید داشته باشد
 کاظم بد فکری نگرید ولی گوش بد و بفهم ما که در روی زمین هستیم
 هر چه نزدیک بزمین است پائین و هر چه دور از زمین است بالا میگوئیم
 ولی واقعا خود زمین زبر و بالا نیست ندارد و واقع است زمینان هوادر
 فضای عظیم فامتناهی پس در هر نقطه از کره زمین باشیم همیشه پاهایمان
 پائین و سرمان بالاست زیرا که همیشه پاهایمان روی زمین و سرمان پائین
 آسمان است مطابق شکل بیستم

شکل بیستم



محمود راست فرمودید ولی باز هم جای تعجب است
 کاظم چنین بنظر میآید که میخواهی پرسی چه چیز است که ما را از
 افتادن در هوا و فضا مانع میشود
 محمود بلی اقا جان ابا شما میتوانید این فقره را بنما بگوئید
 کاظم البته میتوانم اول بگویم اینم آبا هرگز آهن ریاده
 محمود بلی دیده ام چیزی است شبیه آهن شما پار سال یکی برای من خریدید

بقیه ترجمه تاریخ حسن بن حسن

سواهی ظروف طلا و نقره و مس و آهن هر چه در آن بود بسوخت و اشیاء مسطوره را داخل بیت المال کردند بعد پوشع ابن نون بطرف
 غای و شعبه انتهای نمود و غای یافت نمود و پادشاه از ابدار زد و شهر را بسوخت و دوازده هزار زن و مرد و اطفال را بکشت و از ابتدای
 تولیت پوشع ابن نون امر پسر اسرائیل را که مقارن با وقت وفات حضرت موسی علیه السلام بود تا وقتیکه وفات نمود بیست و هفت سال است بعد
 پوشع امر پسر اسرائیل بر تق و وفق سبط محمود او سبط شمعون موکول شد و متوجه حاربه با کفایان پسران شد و در هر وقت از آنها
 و باری سلطان آنها را گرفتند و باورشلم آوردند و در آنجا ببرد بعد از آن بنی اسرائیل ارتکاب بمعاصی نمودند و قاطری را بر سیدند و کارهای
 بزرگ میان آنها حادث شد و فرستاده شد بسوی آنها الباس ابن باسین بن عمار بن هرون بن عمران و او بنی اسرائیل را بترک معاصی دعوت
 کرد و آنها اطاعت امر او نمودند و او نفرین در حق آنها کرد بد غای او مبتلا بقطوع غلا شد و در سال میان آنها قحطی بود و الباس از
 میان آنها خارج شد مخفی بود همچنانکه بنی اسرائیل الباس را مفقود دیدند الباس ابن اخطوب را خلیفه او قرار دادند و در صحرا ماند بودند

که ماهی های آهنی روی ظرف آبرو و بخود میکشند و علاوه بر این سوزن و سنجاق هم از فاصله کمی رو با آن میفرسند و بان میچسبند و بزود از آن جدا میشدند شما میفرمودید مجذوب شده اند و من نمیفهمیدم مجذوب یعنی چه

کافلم مر جباهین قوتی که در آهن رباست و بواسطه آن بقول تو اجسام را مجذوب میکند و نزدیک خود نگاه میدارد و خیلی شبیه با بقوتی که در زمین موجود است و بواسطه آن تمام اجسام سبک تر از زمین را بجانب خود میکشاند و نزدیک خود نگاه میدارد و ازین بابت است که ماده روی زمین آرام داریم و این منبناشیم از اینکه در هوا سرازیر شویم و نیز از همین بابت است که هر وقت که کو بازی میکنی گوی خود دوباره بزمین میافتد و علی الاطلاق بان قوتی که از چوکان پادست تو بان رسیده نمیتواند راست حرکت کند و همچنین بواسطه همین قوه است که برف و باران و تکرک از آسمان بزمین فرود میآید و در هوا اینکه تو لید شده اند معلق میمانند و همچنین از بابت اثر این قوت است که میوه های رسیده از درخت میافتند و این قوتی که اجسام را در زمین میکشاند با اصطلاح حکمای طبیعی موسوم بقوت ثقل و قوه جاذبه زمین است زیرا که جذب بعرض کشیدن رو موجود است احمد وقتیکه کو بازی میکنیم اگر کو را از یاد بلند بپنداریم همیشه از کرمتن آن ترس داریم زیرا که آنوقت مانند کلوله سرب میشود و دست ما را در دو میاورد سبب چیست

کافلم سبب آن است که هر قدر کوی شما از جای بالاتر فرود آید اثر نزولش بیشتر میشود زیرا که سرعت جسم نازل همیشه از وقت نزول

تا هنگام وصول بزین پامانع دیگر دو باز دها است و بعد ازین از بزه شما اسبابی داشیح میدهم که بواسطه آن سرعت نزول جسم را در ثانیه اول معین کرده اند و بعد ان سرعت را در ثوانی متوالیه دوم و سیم و چهارم و غیره مشخص نموده اند بقسمی که پس از شماره ثانیه ها که جسم در چنین نزول بکار برده سرعت نزول انجم را فهمیده اند و از حنا کردن نیز میتوانند معین کنند که جسم از چه ارتفاعی فرود آمده

احمد ایامیست و ایند این را با یکویند کافلم جسمی که در پاریس فرود میآید مشخص شد که بان تفصیل طی مسافت میکند

- ثانیه اول ۹ متر
- ثانیه دوم ۱۴۷ = ۳ × ۹ متر
- ثانیه سیم ۲۴۵ = ۵ × ۹ متر
- ثانیه چهارم ۳۴۳ = ۷ × ۹ متر
- ثانیه پنجم ۴۴۱ = ۹ × ۹ متر

وقتی که در هر ثانیه تازه ضرب کنند ۹ متر را با عدد فردی که متوالی میآید درین صورت معلوم میشود که مسافت طی شده در هر ثانیه جدا جدا چه قدر است حالا میخواهید اندازه عمق فلان چاه را بسنجیم بواسطه سنگی که در آن میاندازیم محمود چه طور میفهمیم کافلم بکنیکه در چاه میاندازیم صد نزول آن سنگ را در چاه میسجیم و میبینیم که مثلا در دو ثانیه افتاد آنوقت میگوئیم این سنگ در ثانیه اول ۹ متر در ثانیه دوم ۱۸ متر طی مسافت کرده حاصل جمع آنها ۲۷ متر میشود پس عمق چاه نوزده متر است و همچنین طریق از انداختن سنگ از برج یا جای مرتفع دیگر میتوانیم تعیین مقدار ارتفاع آنها را بکنیم بقیه در همه جا

از او در راه میگریزید و در آن آنگاه که در راه میگریزید و در آن آنگاه که در راه میگریزید

بقیه تاریخ حمز بن حسن

اعلان

در معاصی توغلی داشتند و تابوت بدوش آنها بود و در اوقات گرفتاری و شداید از آن طلب نصرت و معاونت مینمودند پس از البس شخصی اطلاق نام پادشاه بنی اسرائیل شد و دشمنی بر او خروج کرده او با بنی اسرائیل بمقاتله دشمن پرداخت و تابوت جلوانها بود و دشمن غلبه کرده تابوت را در بود و بنی اسرائیل مختلط درهم شدند و دشمن آنها منظم کرد و آنها بخاک خود معاودت کردند و باختلاف احوال با یکدیگر و سنواتی که در پنجالت بر آنها گذشت و منتهی آن سنوات بقضا و مدبرین از بنی اسرائیل بعد از موت پو شع بن نون چهار صد شصت سال است بقیه

تمثال بهمثال مبارک بندگان سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی و حنا خاندان را با کمال امتیاز و صحت شباهت مثل با سمرهای کار فرنگستان سواره و نیم تنه در دو کاغذ ضخیم بطور قطعه ساخته و بطبع رسانیده است هر کس طالب شد بجهت زینت مجالس خود در دارالطباعة هما بون نزد میرزا عباس موجود است بقیه متناهی مناسب میدهد محض استحضار عامه اعلان شد مخفی نماند که این صنعت بطبع تصویر سنگ پطری که بفرنگ لیتوگرافی مینامند در ایران مخصوص دارالطباعة دولتی است که از تربیت یافتگان این دولت جاوید شوکت است که تازه احداث شده است و هر کس بخواهد عکس خود را فرستاده بجهت اندازه و عدد بطبع میرساند